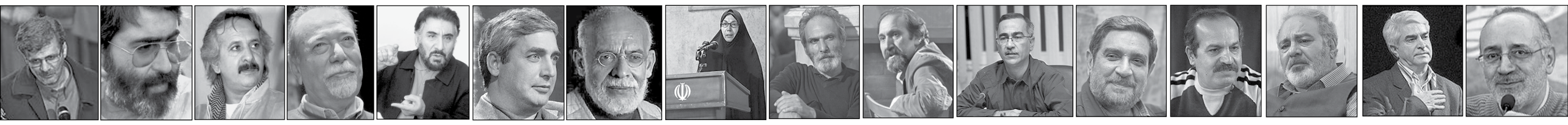

جمال شورجه (فیلمساز) یدالله صمدی (فیلمساز) محمد کاسبی (بازیگر) رسول ملا قلی پور (فیلمساز) شهریار بحرانی (فیلمساز) پرویز شیخ طادی (فیلمساز) داود میرباقری (فیلمساز) جهانگیر الماسی (بازیگر) پروانه معصومی (بازیگر) مهدی فقیه (بازیگر) ابراهیم حاتمی کیا (فیلمساز) سلحشور (فیلمساز) علی نصیریان (بازیگر) مجید مجیدی (فیلمساز) شهید آوینی (فیلمساز) جواد اردکانی (فیلمساز)

با آغاز جنگ تحمیلی بسیاری از هنرمندان هم مثل خیلی دیگر از مردم به جبهه‌های دفاع مقدس پیوستند. هنرمندانی که هزاران ناگفته از آن دوران دارند و هنوز فرصت یا امکان بیان همه حرف‌های خود را نیافته‌اند. این گـــزارش به روایت برخی از همین هنرمندان می‌پردازد. تأکید می‌شود که این گزارش فقط «برخی» از سینماگران را در بر می‌گیرد و تعداد هنرمندان سینما که سابقه حضور در جبهه را دارند بیش از این محدوده است. * تصویرروز

اولین فیلمسازی که به جبهه رفت

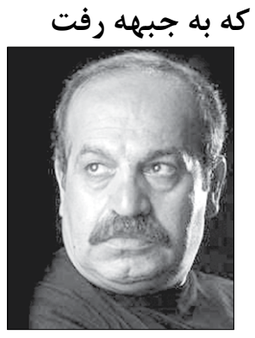

رســـول ملاقلی پور یکی از اولین هنرمندانی بود که در همان نخستین روزهای آغاز جنگ تحمیلی، به عنوان عــکاس و تصویربردار حــوزه هنری به جبهــه رفت. عکس او از شــهید مرتضی کاظمی در مهر سال ۵۹ و در خرمشهر، یکی از عکس‌های مشهور آن دوره است. همچنین فیلم «بلمی به سوی ســاحل» حاصل مشاهدات وی از سقوط خرمشهر بود.

مرحوم امیرحســین فردی نویسنده و سردبیر فقید «کیهان بچه ها» که از دوستان نزدیک ملاقلی پور بود چند سال قبل در یادداشتی که در کیهان چاپ شد نوشته بود: «در ماه‌های اولیه تجاوز ارتش بعثی عراق به ایران و در بحبوحه پیشــروی و کشت و کشتارهای وحشــیانه آن ارتش و در آستانه بلعیده شدن خوزستان توسط صدام، کانون کذایی نویسندگان ایران، طی اطلاعیه خائنانه‌ای، به عنوان ســتون پنجم ارتش بعث، از پشــت به ملت مظلوم ایران ضربه زد و از آنها خواســت تا دست از مقاومت و دفاع بکشند و مدیریت جنگ را به اربابان و مشوقان غربی و شرقی صدام در این تجاوز بسپارند. یک ملت چه قدر باید تنها و مظلوم باشد که صدای دشمنش را از حلقوم نویسندگان و شاعران و ... سرزمین خود بشنود! آری چنین بود، و چنین شد که رسول بر این خیانت‌ها و بی‌غیرتی‌ها شــورید و بچه با معرفت پشت خط با همان دوربین و کفش کتانی عازم جبهه شد. حالا بچه پشت خط تهران تبریز، در جبهه جنوب، پشت خط دفاعی دوش به دوش رزمندگان ایســتاده بود و با همان جســارت و جسوری بچه‌های پشت خط، حماسه برادران خود را به تصویر می‌کشید. در جنوب، منطقه بستان، حین درگیری، گلوله یک بعثی خبیث به نرمه باســن رسول خورده بود. ناچار آورده شــده بود به تهران. همین حادثه به جای اینکه باعث ترسش شود، اشتیاقش را برای حضور در جبهه بیشــتر کرده بود. وقتی رســول با آن وضع آمد حوزه و با لحن شیرین و جذاب خود شروع به تعریف چگونگی گلوله خوردنش کرد، کسی نمی‌توانســت نخندد و رســول خودش شــلیک خنده هایش را رها کرده بود و بی‌اختیار اشک در چشم هایش جمع شده بود و از فرط سرور به خود می‌پیچید. کمی که خوب شــد، باز هم رفت. معلوم بود که بچه پشــت خط حسابی عاشق شده است. عاشق جبهه، عاشق برادران رزمنده اش، عاشق انقلاب و امام انقلاب. رسول این بار دوربین کهنه و نیمدار عکاسی اش را زمین گذاشت و یک دوربین ۱۶ میلی متری گرفت و رفت، چقدر هم خوشحال بود که می‌تواند کاری بکند... رسول سینما را در سوسنگرد و بستان و خرمشهر یاد گرفت. هر وقت که می‌آمد، سینه سینه خاطره برای تعریف کردن داشت. سینمای رسول، در جبهه‌ها شکل گرفت. با خاطره رزمندگان، با شجاعت‌ها و شهادت‌های آنها عجین شد و تا پایان همراه رسول ماند.»

خود رسول ملاقلی پور هم خاطره خورش در عملیات فتح المبین را این گونه تعریف می‌کرد: «ســپیده صبح زده بــود. وانت حاج‌آقا به راه افتاد. هر چه جلوتر می‌رفتیم آتش دو طرف شدیدتر می‌شد. گلوله‌های رسام و منور هم دیده می‌شد. جلوتر که آمدیم حسابی در معرض گلوله‌های خمپاره و تانک قرار گرفتیم. ترس برم داشته بود. شدت انفجارها مجالی برای فکر کردن نمی‌داد. پشت یک خاکریز نگه داشــت. از وانت پایین آمدم. هول کرده بودم. جنازه بچه‌ها را پشت خاکریز دیدم. همه چیز به هم ریخته بود. ظاهراً عراقی‌ها سعی داشتند این خاکریز را بگیرنــد، ولی بچه‌ها بــا تمام توان مقاومت می‌کردند. ترس و هیجان به جانم افتاده بود و رهایم نمی‌کرد. مثل عروسک کوکی دور سر خودم می‌چرخیدم...»

حضور پنهانی فیلمساز زن در جبهه!

یکی از فیلمســازان زن سینمای ما هم سابقه حضور در میادین جنگ را دارد. انسیه شاه حسینی در کارنامه خود فیلمی با نام «شب بخیر فرمانده» ثبت کرده اســت. این فیلــم درباره یک خبرنگار زن جوان اســت که در روزهای نخست حمله عراق به ایران، به‌طور مخفیانه خودش را به مناطق جنگی می‌رساند. اما نکته جالب درباره فیلم «شب‌بخیر فرمانده» این است که داستان کلی فیلم برای خود شاه حسینی اتفاق افتاده است. یعنی خود او هم در دورانی که تصویربردار و گزارشگر بود به مناطق جنگی اســتان خوزســتان رفت و مدتی نیز در همان جا ســکنی گزید. او درباره روزهایــی که در دل جنگ گذرانده این گونه توضیح می‌دهد: «در اطراف منطقه هویزه ماندم. درآنجا هیچ خانه‌ای نمانده بود و دشــمن همه را زده بود. به همین دلیل آدم‌هایی که آنجا زندگی می‌کردند و اغلب عشــایر عرب بودند با جعبه‌های مهمات برای خودشان خانه می‌ساختند. من هم همان کار را کردم. منتها خانه‌ای که ساخته بودم هر بار با امواج انفجار و یا باد شدید خراب می‌شد. خانواده‌ای که همســایه من بودند به من یاد دادند که چگونه باید خانه خودم را مقاوم بسازم. تا مدتی طولانی در همان جا ماندم. چون اگر برمی‌گشتم، به سختی می‌شد دوباره به جبهه آمد. در آنجا به همراه عشــایر عرب چوپانی می‌کردم. در آن موقع هنوز خط مقدم نبود و همه جای خوزســتان حالت خط مقدم را داشت. من در جبهه هیچ گاه رزمنده نبودم اما ناظر بودم.

امــا بعد از عملیات خیبر به‌طور مکــرر به منطقه می‌رفتم. در آن موقع دیگر برگه تردد داشتم و به عنوان نیروی رسمی تبلیغات جنگ می‌رفتم. با این حال در ایستگاه‌های دژبانی خیلی سخت می‌گرفتند. به ویژه بچه بسیجی‌ها چون غیرتی بودند نمی‌گذاشــتند من جلو بروم. یادم می‌آید که یک بار یکی از همان جوان‌ها مانع رفتن من به خط می‌شد. من مصر بودم که بروم. اما آن پسر به قدری غیرتی شده بود که گریه اش گرفت. یادم هست با گریه می‌گفت که اگر اسیر بشوی ما چه کنیم؟ غیرت و شرف ما چه می‌شود؟ بعد هم رفت و یک چاقوی ضامن‌دار آورد و داد به من و گفت که اگر اسیر شدی با این خودت را بکش. اما بالاخره من نرفتم.

از میدان برد تا عرصه هنر

سینماگرانی که جبهه بودند

همیشه عصبانی می‌شدم از اینکه رزمنده‌ها می‌توانستند به خط مقدم بروند و من نمی‌توانســتم. وقتی فیلم «شب بخیر فرمانده» در جشنواره کارلووی واری برنده شد فهمیدم که باید می‌ماندم تا بگویم در آن روزها چه گذشت.

از آن دوران خاطرات تلخ و شیرین زیادی دارم. اما تلخ‌ترین خاطرات مربوط به لحظاتی می‌شود که دشمن ماشین‌های حمل آب و غذا را می‌زد و همه بدون غذا می‌ماندند.ای کاش مردم می‌توانستند آن لحظات سخت را ببینند. هیچ وقت از اسلحه استفاده نکردم اما در روزهای اول جنگ که در میان عشایر عرب زندگی می‌کردم در موقع چوپانی برای محافظت از خودمان گاهی کلاشینکف حمل می‌کردیم.به همــراه دوربین تصاویری را ضبط می‌کردم. بعضی از این تصویرها را در مســاجد پخش می‌کردند. برخی نیز به گروه‌های تلویزیونی مثل «روایت فتح» داده شــد. هر از گاهی در فیلم‌های مستندی که درباره جنگ ساخته شده‌اند، تصاویر خودم را می‌بینم.تا به حال برخی از بزرگان سینما پیشنهاد ساخت زندگی ام را داده‌اند اما قبول نکرده ام. یکی از آرزوهایم این است که خاطرات آن روزها را بنویسم.»

بسیجی لشکر سیدالشهدا(ع)

مهران رجبــی بازیگر پــرکار و محبوب سینما و تلویزیون که بیشتر در آثار کمدی بازی می‌کند هم مدتی را به عنوان بسیجی داوطلب در جبهه گذرانده بــود. او درباره حضورش در جبهه می‌گفت: من حدود هشت ماه به عنوان رزمنده بسیجی در جنگ حضور داشتم که البته این هشت ماه یک‌جا نبوده بلکه پراکنده بوده است. چون هم باید معیشت خانواده را تأمین می‌کردم هم دانشجو بودم. با بهره از رانتی که در لشکر ۱۰ حضرت سیدالشهدا(ع) داشتم زمان عملیات خودم را به جبهه می‌رســاندم و یک حالی می‌کردم، یک ضربه‌ای می‌زدم و خودم را در این چشــمه شست و شو می‌دادم و سالم هم بر می‌گشتم. اتفاقا هیچ وقت امید سالم برگشتن نداشتم و هر بار می‌رفتم فکر می‌کردم که بار آخر اســت به قول معروف «یک بار جستی ملخک، دوبار جستی ملخک، آخر به دستی ملخک» می‌شود. اما ضرب المثل را باطل کردم چون هر بار جستم و شد!

هنرمندی که هشت سال جنگید

حبیب احمدزاده که بیشتر به عنوان فیلمنامه نویس و مستندساز شناخته می‌شود و مشاور فیلمنامه «آژانس شیشه ای» هم بوده، بخش زیادی از لحظات جوانی خود را در جبهه گذرانــده. موقعی که جنگ شروع شد، حبیب در آبادان زندگی می‌کرد و با اینکه فقط ۱۶ سال سن داشت، مثل خیلی دیگر از مردم دلاور آبادان به مقاومت در برابر دشمن مهاجم ایستاد. او تمام هشت سال دفاع مقدس در جبهه بود؛ یعنی ۹۶ ماه! در این مدت هم جنگیدن در بیشــتر مناطق درگیر جنگ را هم تجربه کرده اســت؛ از مناطق غربی تا جنوب. پست تخصصی او نیز دیدبانی اطلاعات عملیات بود. او در این هشت سال، چهار بار مجروح شد و افتخار جانبازی ۲۵ درصد را هم دارد. او بخشی از تجربیات خود از دوران دفاع مقدس را در دو کتاب داســتان نوشته است؛ «شطرنج با ماشین قیامت» و «داستان‌های شهر جنگی». یکی از گروه‌های تئاتر در کانادا با اقتباس از رمان «شــطرنج با ماشین قیامت» یک نمایش اجرا کرده است.

آموختن سینما در جنگ

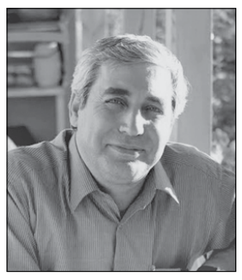

ابراهیم حاتمی کیا نیز از دیگر فیلمسازانی است که حضور پررنگی در دوران دفاع مقدس داشت. او در همان دوران جنگ به کادر ســپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیوست و به عنوان تصویربردار به جبهه رفت. به طوری که خودش گفته: ســال ۶۲ بود «تربت» را ســاخته بودم، رفتم خواستگاری. گفتم:«من درسته پاسدارم ولی فیلمسازم.»بهمن سال ۹۲ در مراسم تجلیل خانواده‌های شهدا حاتمی کیا در ســازمان اوج هم به بیان خاطراتش از دوران کار در ســپاه پرداخته و گفته بود: «همین ساختمانی که داخلش هستید ساختمان سپاه تهران بود و من دم همین در، کشیک‌ها دادم. از اینجا به ماموریت‌ها رفتم و کلی خاطره دارم از این ساختمان.»

و در همان جلسه به بیان خاطراتش از عملیات بدر پرداخت: «در جریان عملیات بدر، ما برای فیلمســازی به منطقه‌ای در هویزه رفته بودیم. هوا و فضا بسیار زیبا و خوش بود. آسمان آبی بود و از دور که نگاه می‌کردی همه چیز تصویری و روشــن بود. من از قایق پیاده شــدم به عنوان مسئول یک تیم فیلمبرداری و حرکت کردم به ســمت جایی که می‌گفتند خط بچه‌ها آنجاست....»

او همچنیــن همراه با گروه روایت فتح به عملیات مرصاد هم رفته بود. جایی درباره این عملیات نقل کرده که «وقتی به منطقه درگیری رسیدیم هنوز در منطقه «تنگه پا تاق» کو زران به نوعی منافقین متوقف شده بودند و به شدت مقاومت می‌کردند. شب که شد ما عملاً مجبور شدیم برویم به طرف باختران. شهر باختران یک شهر خیلی غریب و به قول بچه‌ها حالت وسترن پیدا کرده بود. از قبل هم اعلام شده بود که شهر آلوده است و یک عده دیگر از منافقین داخل آن هســتند و قیافه‌های آن‌ها شــبیه بچه‌های ما اســت. حتی دوســتان به من می‌گفتند که لباس خاکی‌ات را عوض کن و ریشــت را بزن، یعنی تا این حد از لحاظ قیافه به این‌ها شباهت داشتیم. وقتی در شهر راه می‌رفتیم حس می‌کردیم همه به هم مظنونیم. چند نفر از منافقین را هم که دستگیر کرده بودند دیدیم، آن‌ها کاملاً خودشان را از لحاظ ظاهری شــبیه ما کرده بودند و عملاً آدم از دیدن این وضعیت گیج می‌شد.ماشین «لندرور» آقا مرتضی (آوینی) برای ما دردسر شده بود. چندین بــار نزدیک بود بچه‌های خــودی ما را اعدام کنند! که فریاد زدیم، نزنید ما خودی هســتیم. بعداً مجبور شــدیم در و بدنه ماشین را پر کنیم از نوشته «گروه روایت فتح».»

تقدیر از برنامه ۳۰ شهریور خندوانه

■ آرش فهیم

برنامه «خندوانه» ۳۰ شهریور یکی از به یادماندنی‌ترین برنامه‌های سیما شد. حتی من که علاقه چندانی به برنامه‌های طنزآمیز ندارم و همین برنامه خندوانه را هم کمتر دنبال می‌کنم، این بار در برابر این قســمت خاص از خندوانه تسلیم شــدم و به تحسین مجبور! برنامه‌ای که فراتر از یک کمدی و طنز صرفا سرگرم کننده، به پاسداشــت قهرمانان گمنام ســرزمین ما پرداخت. همان برنامه‌ای که میزبان مردان بزرگ جانباز بود. جانبازان اعصاب و روان که شخصیت اول و قهرمان این برنامه پربیننده بودند. قهرمانانی که نه در دنیای خیال، که همین اطراف ما زندگی می‌کنند و ما اغلب در غبار زندگی روزمره و جان بازی هایشــان برای ما آنها را از یاد می‌بریم و نمی‌بینیم. اما خاصیت رسانه همین است که می‌تواند گاهی موضوعاتی را که کمتر دیده و شنیده می‌شوند را در کادر قرار دهد و حس و حال آنها را به قلب مخاطب بنشاند.

خندوانه اغلب، پذیرای مردمی است که پس از یک روز کار و تلاش و دوندگی ساعتی پای گیرنده‌های خود می‌نشینند تا خستگی خود را فراموش کنند، این بار به نمایش خستگی‌های آدم‌هایی پرداخت که نباید فراموش شوند، دریغ از اینکه خاموش شوند. در همه جای دنیا، برنامه‌های طنز تلویزیون ابزاری برای غفلت و ســرگرم کردن مردم هستند. اما برنامه «خندوانه» ۳۰ شهریور، نماد و نمودی از طنز متعهد و مسئول بود. به جای غفلت، بیداری را برای مخاطب به ارمغان آورد و انسانیت را به مخاطب خود یادآوری کرد.

رامبد جوان در این قسمت از برنامه خندوانه به همه یاد داد که چگونه باید برای ارزش‌ها کار رســانه‌ای کرد. بدون هیچ تظاهر و شــعارزدگی، در آرامش و سادگی و بدون هیچ ادعا! می‌توان به همین سادگی و در یک استودیوی کوچک، بدون گفتن حرف‌های پرطمطراق و گرفتن ژســت‌های خاص و عجیب و غریب یک برنامه دفاع مقدســی خلق کرد. همین برنامه و اســتقبال عموم مردم از آن نشان داد که هنوز هم ارزش‌ها برای همه مردم این کشور یک مسئله مهم است. که اگر نبود، برنامه ۳۰ شهریور «خندوانه» این همه تشویق را به دنبال نداشت. استقبالی که اتفاقا بیشتر از طرف بینندگان جوان این برنامه شده است. همان‌هایی که بیش از بقیه به کمک مردان روزگار جنگ نیاز دارند تا در جنگ روزگار سربلند بمانند. جنگ، چیز منفوری اســت اما جنگ ما گنجی اســت که با بازخوانی آن می‌توانیم هر مســئله‌ای را بگشــاییم و هر بحرانی را کنار بزنیم. تجربه هم نشان داده که جوان‌هایی که از تاریخ انقلاب و دفاع مقدس بیشتر آگاهی دارند، کمتر تحت تأثیر امواج مضر و خطرناک فرهنگی قرار می‌گیرند و مسیر زندگی را بهتر می‌پیمایند. همه چیزها، طی زمان و در فراز و نشــیب‌های اجتماعی، شکل‌های متفــاوت و مختلفی می‌گیرند. اما برخــی از واقعیات تاریخی و فرهنگی، نه تنها تحت تأثیر کشمکش‌های اجتماعی نابود نمی‌شوند که خود عامل نجات تاریخ و جامعه هستند. فرهنگ دفاع مقدس، نمونه‌ای از این نوع است. فرهنگی که فراتر از محدوده زمانی جنگ تحمیلی هشــت ســاله، ابعاد و شئون مختلف فرهنگی، سیاســی، ایدئولوژیک و به ویژه سبک زندگی اسلامی و ایرانی را تجلی بخشید. ولایتمداری، ایثار و ازخودگذشتگی، عدالتخواهی، آزادگی، نیک خویی، ذوب شدن در خدا و ... همه از زیربناهای فرهنگی ما هستند که در «دفاع مقدس» خلاصه شده‌اند. شهید سیدمرتضی آوینی از راویان صادق دفاع مقدس می‌گفت: "جنگ عارضه‌ای نیســت که شهاب‌سان، لمحه‌ای در آسمان انقلاب ظاهر شود و بعد به درون‌سیاهی شب بگریزد" بلکه همان طور که برنامه ۳۰ شهریور خندوانه نمایش داد، هر چه از زمان می‌گذرد روشنایی آن افزوده می‌شود.

آگهی مناقصه عمومی

نوبت اول

شهرداری اهواز

ســازمان مدیریت پسماند شهرداری اهواز، در نظر دارد پروژه مشــروحه ذیل را از طریق مناقصه عمومی به اشخاص حقوقی واجد شرایط واگذار نماید..

ردیف	موضوع	مبلغ اولیه(ریال)	مدت اجرای پروژه	مبلغ سپرده شرکت در مناقصه(ریال)
۱	اتلاف سگ‌های ولگرد در سطح شهر اهواز	۳/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰	شش ماه	۱۹۰/۰۰۰/۰۰۰

از شرکت‌های واجد شرایط دعوت به عمل می‌آید، جهت دریافت اســناد مناقصه به امور قراردادهای ســازمان مدیریت پسماند به نشــانی: اهواز- خیابان انقلاب شــیخ بهاء جنوبــی نبش کوچه سامانی‌نژاد- ســازمان مدیریت پسماند شــهرداری اهواز تلفن: ۷-۳۳۷۹۸۶۰۶ مراجعه نمایند.

هزینه انتشار آگهی به عهده برندگان مناقصه می‌باشد.

۱- مهلت قبول پیشــنهاد نرخ و پاسخ به مناقصه، از تاریخ انتشار آگهی بــه مدت ده روز و تحویل در آدرس فوق‌الذکر می‌باشــد. (حداکثر مهلت تحویل پاکت ساعت ۱۵:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۹۴/۷/۱۶ می‌باشد.)

۲- سازمان در رد یک یا تمام پیشنهادها مختار می‌باشد.

۳- مبلغ سپرده‌های شرکت در مناقصه‌های فوق‌الذکر می‌بایست به یکی از سه طریق ذیل ارائه شود.

الــف: فیش واریز مبلــغ فوق به حســاب ۹۲۲-۴۲۲-۱۰۰ به نام ســازمان مدیریت پسماند شــهرداری اهواز نزد بانک شهر شعبه کیانپارس اهواز

ب- به صورت ضمانت‌نامه بانکی به نام سازمان مدیریت پسماند و به مدت ســه ماه از تاریخ افتتاح پیشنهادها با قابلیت یک دوره تمدید سه ماهه

ج- چک تضمین شــده بانکی در وجه سازمان مدیریت پسماند شهرداری اهواز

۴- تاریخ برگزاری کمیســیون مناقصه در ســاعت ۱۲ روز شنبه مورخ ۹۴/۷/۱۸ در محل سازمان به آدرس فوق‌الذکر می‌باشد. حضور پیشنهاددهندگان در جلسه مجاز می‌باشد.

۵- حداکثــر نتیجه کمیســیون ظــرف مــدت ۲۰ روز از تاریخ برگزاری کمیسیون به برنده اعلام خواهد شد.

۶- به اســتناد بند۵ ماده ۱۱ آئین‌نامه معاملات شهرداری‌های کلان شهرها میزان تضمین حسن انجام تعهدات ۱۰ درصد مبلغ پیشنهادی پیمانکار می‌باشد که پس از تحویل موقت آزاد خواهد شد.

۷- به برنده مناقصه پیش پرداخت داده نخواهد شد.

۸- برنــدگان اول و دوم مناقصه هرگاه حاضــر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده شرکت در مناقصه آنان به ترتیب ضبط خواهد شد.

۹- شــرکت در مناقصه و ارائه پیشــنهاد به منزله قبول شروط و تکالیــف شــهرداری (موضوع مــاده ۱۰ آیین‌نامــه معاملات شهرداری‌های کلان‌شهرها) می‌باشد.

۱۰- سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج شده است.

روابط عمومی و امور بین‌الملل شهرداری اهواز

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابــر رای شــماره ۱۳۹۴۶۰۳۰۹۰۰۱۰۰۷۵۶۰ مورخــه ۱۳۹۴/۶/۲۰ کلاســه ۱۳۹۲۱۱۴۴۰۹۰۰۱۰۰۱۰۹۰ هیئت دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک قزوین تصرفات مالکان بلامعارض متقاضی آقای احمد رفیعی فرزند قاسم به شماره شناسنامه ۲۳۱۴ کد ملی ۴۳۲۱۵۲۳۸۸۵ صادره از قزوین در شــشــدانگ یکباب ســاختمان به مساحت ۱۲۶/۰۹ متر مربع پلاک ۵ اصلی واقع در قزوین بخش ۵ خریداری از مالک رســمی آقای یداله رفیعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شــود در صورتی که اشــخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تســلیم و پس از اخذ رســید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تســلیم اعتراض، دادخواســت خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۴/۷/۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۴/۷/۲۲
حسن غلامحسینی- رئیس ثبت اسناد و املاک قزوین

آگهی ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

نظر به اینکه هیئت حل اختلاف مســتقر در اداره ثبت اســناد و املاک بندرعباس به شــرح رأی شماره ۱۳۹۴۶۰۳۲۳۰۵۴۰۰۰۱۷۵ مــورخ ۹۴/۲/۱۳ تصرفــات مالکانه عبداله نظری فرزنــد قنبر تحت عنوان ششــدانگ یکباب خانه به مساحت ۶۴۰ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۴۴۳ فرعی از ۹۸- اصلی واقع در فین بخش دو به اســتناد بند الف ماده ۱ و ماده ۳ و تبصره ماده ۱۳ قانون مذکور را تائید نموده اســت به جهت عدم دسترســی به مالک اولیه مقرر گردید پس از انتشار آگهی سند مالکیت رسمی صادر و تســلیم گردید و علی هذا در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ســاختمان‌های فاقد سند رسمی مذکور در دو نوبت به فاصله ۱۵ روزه آگهی جهت اطلاع عموم و مالک و صاحبان حقوق آگهی می‌گردد چنانچه ظرف مهلت دو ماه از تاریخ اولین انتشــار آگهی اعتراضی از طرف کســی به اداره ثبت اسناد و املاک بندرعباس وارد نگردد سند مالکیت براساس مفاد رأی صادر فوق در حدود و صلاحیت وفق مقررات صادر خواهد گردید در صورت وصول اعتراض معترض می‌بایســت از تاریخ تســلیم اعتراض بــه اداره ثبت ظرف مهلت یک ماه به دادگاه صالحه محل مراجعه و تقدیم دادخواســت نمائید لذا پس از سپری شــدن مهلت مذکور و عدم ارائه تقدیم دادخواست، اداره ثبت اسناد و املاک بندرعباس نسبت به صدور سند مالکیت اقدام خواهد نمود و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۶/۲۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۴/۷/۶

اسمعیل ربیعی‌نژاد
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بندرعباس

آگهی فقدان مدرک تحصیلی

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب حســین شــفیعی فرزند ســعید به شماره‌شناســنامه ۱۵ صــادره از کنــگان در مقطع کاردانی رشــته حســابداری صادره از واحد دانشگاهی پارسیان با شماره ۰۹۵۲۴۰۹ مفقود گردیده اســت و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشــگاه آزاد اســلامی واحد پارســیان به نشانی: هرمزگان، پارسیان دانشگاه آزاد اسلامی ارسال نمایند.

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت (سهامی‌خاص)

نام شرکت: شرکت پخت کک سبز (سهامی‌خاص)

شماره ثبت: ۱۷۲۷۱۴ شناسه ملی: ۱۰۱۰۲۱۵۱۴۱۰

بدینوســیله از کلیه ســهامداران شرکت دعوت می‌شــود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده که رأس ســاعت ده صبح مورخ ۱۳۹۴/۷/۲۰ در محل قانونی شرکت تشکیل می‌گردد حضور بهم رسانید.

دستور جلسه:

۱- اســتماع گزارش بازرس قانونی درخصوص صورت حســاب دوره عملکرد ســالیانه ۱۳۸۹ و اتخاذ تصمیم درخصوص ترازنامه و حســاب ســود و زیان شرکت منتهی به پایان سال مذکور (۱۳۸۹)

۲- ســایر مواردی کــه در صلاحیت مجمع عمومی عادی بــه طور فوق‌العاده می‌باشد.

اعضاء هیئت‌مدیره شرکت پخت کک سبز (سهامی‌خاص)
مصطفی کلانتری- محمد کلانتری- محمدرضا موید

آگهی احضار متهم (مربوط به دادگاه با فرض وجود کیفرخواست)

مجتمــع دادگاه‌هــای عمومــی جزایــی شهرســتان کــرج بــه موجــب کیفرخواســت شــماره ۹۴۰۴۵۳ در پرونده کلاســه ۹۳۰۹۹۸۲۶۵۵۶۰۱۴۰۱ برای بهمن مختاری و حجت‌اله شــیرزادی به اتهام مشــارکت در سرقت خودرو و تحصیل مال مسروقه تقاضای کیفر نموده که رسیدگی به موضوع به این شعبه ارجاع و وقت رسیدگی برای مورخه ۱۳۹۴/۸/۲۰ ساعت ۹ تعیین گردیده اســت. با عنایت به مجهول‌المکان بودن و عدم دسترســی به متهــم و در اجرای مقررات مواد ۱۱۵ و ۱۸۰ قانون آئین دادرســی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مراتب یک نوبت منتشــر تا متهم جهت دفاع از اتهام انتســابی در وقت مقرر در دادگاه حاضر گردد. بدیهی است درصورت عدم حضور، مطابق مقررات رسیدگی غیابی به عمل خواهد آمد.

نام و نام‌خانوادگی و سمت قاضی

متصدی امور دفتری شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو شهرستان کرج (۱۰۲ جزایی سابق)
حمیدرضا مرادی پویا
م‌الف ۲۵۳۷۳ کرج- بالاتر از میدان طالقانی- ساختمان مرکزی دادگستری

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده نوبت سوم

از کلیه سهامداران محترم تعاونی اعتبار فرهنگیان سبزوار دعوت بعمل می‌آید که در ساعت ۶ بعدازظهر روز شــنبه مورخه ۹۴/۷/۱۸ جهت رســیدگی به امور زیر در ســالن فروشگاه فرهنگیان واقع در خیابان کاشفی شمالی (چهارراه دادگستری) حضور بهم رسانند.

۱- ادغام با تعاونی اعتبار کارکنان آموزش و پرورش سبزوار یا انحلال آن

هیئت‌مدیره تعاونی اعتبار فرهنگیان سبزوار

آگهی مزایده عمومی

اداره کل منابــع طبیعی و آبخیزداری اســتان قم

درنظر دارد:

کالاهای خود به شرح مذکور و با جزئیات مندرج در اسناد مزایده را با بهره‌گیری از ســامانه تــدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) و با شماره مزایده ۱۰۰۹۴۳۱۲۵۰۰۰۰۰۱ را به صورت الکترونیکی به فروش برساند.

کلیــه مراحــل برگــزاری مزایــده از دریافت اســناد تا ارســال پیشــنهاد مزایده‌گــران و بازگشــایی پاکت‌ها، واریــز وجــه مزایــده و تحویــل کالا از طریــق درگاه ســامانه تدارکاتی الکترونیکی دولت (ســتاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شــد. لازم اســت مزایده‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبــت نام در ســایت مذکــور و دریافت گواهــی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در مزایده محقق سازند.

تاریخ انتشار مزایده در سامانه مورخ ۹۴/۷/۶ می‌باشد.

مهلت زمانی دریافت اسناد مزایده از سایت ساعت۱۹ روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۷/۱۶ می‌باشد.

- آخرین مهلت تحویل پیشــنهادها پایــان وقت اداری مورخ ۹۴/۷/۱۷ و گشــایش پیشــنهادها در ســاعت ۹ مورخ۹۴/۷/۱۸ می‌باشد.

- مدت اعتبار پیشــنهادها ۳ مــاه از تاریخ آخرین مهلت تحویل پیشنهادها است.

- اطلاعات تماس سامانه ستاد: ۲۷۳۱۳۱۳۱-۰۲۱

دادنامه

پرونده کلاســه ۹۳۰۹۹۸۲۶۵۵۵۰۰۴۷۰ شعبه ۱۱۲ دادگاه کیفری دو شهرستان کرج (۱۱۲ جزایی سابق) تصمیم نهایی شماره ۹۴۰۹۹۷۲۶۱۵۲۰۰۴۰۷

شاکی:

خانم شــهلا رســتگار فرزند حســنعلی به نشــانی کرج - کلاک - احمدیه - بلوار شــریعتی - جنب دبیرســتان محمودمنش - پلاک ۸۷ - طبقه اول

متهمین:

۱. آقای سمیر حیدری به نشانی مجهول‌المکان
۲. آقای حسین‌اسفندیار ۳. آقای نعیم بابارضایی همگی به نشانی متواری
۴. آقای محمد نامدار فرزند عظیم به نشــانی کرج خ اشــتراکی رجایی شهر گلســتان ۲۵ ساختمان پارسیان ط اول واحد ۲

اتهام‌ها:

۱. مشارکت در ضرب و جرح با قمه
۲. مشارکت در سرقت

رای دادگاه

راجع به اتهام آقایان ۱ - محمد نامدار فرزند عظیم دائر بر مشــارکت در سرقت کارت عابربانک و برداشت وجه به مبلغ ده میلیون و پانصد هزار تومان و کارت ملی و کارت بانک صادرات و توســعه تعاون و ملت موضوع شــکایت خانم شــهلا رستگار و مشارکت در ضرب و جرح عمدی با قمه موضوع شکایت آقای مهدی شمس از جهت جنبه عمومی بزه ۲- حسین اسفندیار مجهول‌المکان دائر بر مشارکت در سرقت کارت عابربانک و برداشت وجه به مبلغ ده میلیون و پانصدهزار تومان و کارت ملی و کارت بانک صادرات توسعه تعاون و ملت موضوع شکایت خانم شهلا رستگار ۳- نعیم بابارضایی ۴- سمیر حیدری هر دو مجهول‌المکان دائر بر مشارکت در ضرب و جرح عمدی با قمه به شــاکی آقای مهدی شمس از حیث جنبه عمومی بزه موضوع کیفرخواست صادره از دادسرای عمومی و انقلاب کرج به شــماره ۹۳۱۰۴۳۲۶۶۱۵۰۳۲۷۵ به تاریخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۶ دادگاه با عنایت به شــرح شــکایت شاکیان و گزارش مرجع انتظامی و اظهارات شــهود در مرحله تحقیقات و متواری بودن متهمین ردیف دوم و سوم و چهارم و عدم حضور در دادگاه و گواهی پزشــکی قانونی و ســایر قرائن و امارات موجود در پرونده اتهامات انتســابی به متهمان را محرز و مســلم دانســته و با رعایت مواد ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی (در مورد تعدد جرم) و از باب بزه مشــار